

پیشگام

۳ نوامبر ۲۰۰۹



«چنج» و کرشمه!

حذف پادشاهان ایران و «تغییر» در کتاب‌های «تاریخ» جمکران بازتولید حرکتی است که پیشتر در سال ۱۹۷۵ با موفقیت تمام تجربه شد. هدف از این «تجربه جادویی» سازمان دادن به یک کودتای «مردمی» جهت نشان دادن «شیخ» بجای «شاه فرسوده» بود، البته به مصداق همان ضرب‌المثل معروف «کله پز برخاست، سگ جایش نشست!» ولی سگ کجا، خمینی کجا! در مقایسه با «رهبر کبیر انقلاب»، هر سگ هاری «پرنس دو گال» بود. باری به دلیل نتایج شیرین و درخشان این «انقلاب سرگذر»، گورکن‌ها یا بهتر بگوئیم اربابان‌شان در لندن و واشنگتن رویای پیمودن همان مسیر را در سر می‌پروراندند تا بتوانند اینبار با الهام از طرح سرشار از نبوغ مک‌فال «شاه» را جانشین «شیخ فرسوده» کنند. تمام تحرکات ابلهانه و گزافه «اسلام‌پرستانه»، از جمله پیشنهاد مضحک حذف علوم انسانی از سوی علی خامنه‌ای، صدور اطلاعیه‌های ابلهانه موسوی در باب پیروی از «خط امام»، یا اعلام موجودیت تشکل‌های دست‌ساز ساواک نظیر «جنبش سبز علوی»

و غیره در راستای همین سیاست «تحریک افکار عمومی» بر علیه «اسلام علوی» یا همان مسلک شیعیان صورت می‌گیرد، تا راه بر شاه بگشاید.

البته کارفرمایان «بی‌بی‌سی» دست از اسلام و ولایت فقیه نمی‌شویند. اینبار حضرات برای توجیه موجودیت «ولایت فقیه» البته در قالب «نظارت ایدئولوژیک» بر امور، لاشهٔ آخوند مطهری را بیرون کشیده به سخنان او «ارجاع» می‌دهند. چرا که مطهری «گفته» روحانی نباید حکومت تشکیل دهد باید بر حکومت «نظارت ایدئولوژیک» اعمال کند. بله، آخوند مطهری، به دلیل عدم شناخت، «ابهام» خرافه و حدیث و روایت را با انسجام منطقی «ایدئولوژی» در ترادف قرار داده‌اند. پیش از ادامهٔ مطلب به کارفرمایان «بی‌بی‌سی» و عمله و اکرهٔ ایرانی‌نمای‌شان بگوئیم، اولاً ایدئولوژی در تضاد با توهم و الهیت و باورهای دینی قرار می‌گیرد. ثانیاً، آخوند مطهری بسیار بیجا فرموده‌اند که خواهان «نظارت» بر امور ملت ایران شده‌اند! ما خواهان دموکراسی هستیم و برای استقرار دموکراسی «جدائی دین از سیاست» الزامی است، در نتیجه هرگونه «نظارت» دستاریند بر امور را بهتر است از هم اکنون فراموش کنید! شیخ جماعت اگر خواهان ورود به عرصهٔ سیاست است، «حزب» تشکیل می‌دهد و اهداف و مطالبات «مادی» خود را در اساس‌نامهٔ حزب‌اش منظور می‌کند. به عبارت دیگر شتر سواری دولا، دولا نمی‌شود. شیوخ باید در برابر اعمال خود پاسخگو باشند، نه اینکه همچون امام سیزدهم ضمن جیره‌خواری دربار و بازار خود را «خارج از حکومت» معرفی کرده، «اسلام» را به ابزار تأمین منافع اربابان‌شان تبدیل کنند. بگذریم!

به فرض که آخوند مطهری در مورد «ولایت» حرفی هم زده باشد، آیا اصولاً آخوند جماعت سخنان‌اش «منطقی» است؟ دروغ نمی‌گوید و مثل بوقلمون رنگ عوض نمی‌کند؟ همین آخوند منتظری، که متأسفانه هنوز زنده است، تا سال ۱۳۶۷، طرفدار همین حکومت توحش نبود؟ چرا منتظری همیشه

مدافع همین حکومت بوده، فقط در رسانه‌ها به «مخالف» تبدیل شد. همچنانکه نهضت «عاطادی»، پس از توطئهٔ گروگانگیری، و محمد مصدق، پس از توطئهٔ ملی کردن نفت در شایعات استعمار به «مخالف» تبدیل شدند. رسانه‌های عموسام، حتی اکبربهرمانی را هم «میان‌رو» معرفی می‌کنند. «شایعه‌پراکنی» و «دروغ‌فروشی» تخصص بوق‌های استعمار است. مگر همین «بی‌بی‌سی» در پائیز سال ۱۳۵۷ یک جانور وحشی را به عنوان «مدافع آزادی» و «رهبر کبیر انقلاب» به شوت‌وپرت‌ها نفروخت؟ پس بهتر است نگاهی داشته باشیم به «اطلاعات. نت» که فرازهایی از سخنان این جانور وحشی را منتشر کرده.

خمینی در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۵۹ در دیدار با چماقداران «تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه» می‌گوید، دانشگاه تهدیدی است برای اسلام و جهان بشریت:

«ریشه تمام مصیبت‌هایی که تاکنون برای بشر پیش آمده از دانشگاه‌ها بوده است. از این تخصص‌های دانشگاهی بوده است. تمام فسادهایی که در ملت‌ها پیدا شده از حوزه‌های علمیه‌ای بوده که از نظر شرعی متعهد نبوده‌اند. همهٔ مصیبت‌هایی که در دنیا پیدا شده از متفکرین و متخصصین دانشگاه‌ها بوده است. کشور ما را هم همین دانشگاه‌ها به دامن ابر قدرت‌ها کشاندند. حالا شما می‌نشینید و می‌نویسید چرا دانشگاه‌ها تعطیل است؟ اگر به اسلام علاقه



دارید بدانید خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه‌ای بالاتر است.»

مطهری تنها می‌گذاریم و باز می‌گردیم به سال ۱۹۷۵ تا ببینیم در این برهه خاص در ایران چه پیش آمد و شرایط جهانی چه بود.

همین جانور وحشی پیش از ورود به ایران، به ویژه طی دوران اقامت‌اش در «نوفل لوشاتو» نظراتی کاملاً متفاوت داشت؛ شعار «آزادی بیان» می‌داد و خیلی «لیبرال - دمکرات» شده بود، چرا که اربابان‌اش در سازمان ناتو قصد ارائه «تصویر دلپذیر» از یک روانپزش متحجر را داشتند:

«اساتید دانشگاه‌ها نمی‌توانند آنطور که می‌خواهند به کار خودشان ادامه بدهند، دانشجویان دانشگاه‌ها هم نمی‌توانند آنطور که می‌خواهند به کار خودشان ادامه بدهند. دولت برای تحمیل قدرت خودش تشبث می‌کند به یک عده چماق بدست. هر گونه آزادی بیان را از دانشجویان گرفته‌اند.»

این سخنان گوساله‌پسند و عوامفریب در تاریخ دوم آبان‌ماه سال ۱۳۵۷، در «نوفل لوشاتو» ایراد شده. رهبر کبیر انقلاب همچنانکه می‌بینیم چارچوب و قوانین و مقررات را اصولاً به رسمیت نمی‌شناخت. در قاموس این موجود روانپزش «آزادی» یعنی هر کس هر آنچه می‌خواهد انجام دهد! دیگر آخوندهای سیاست‌زده نیز چارچوب «آزادی» را «تمایلات» افراد معرفی می‌کنند. کافی است به بیانیه‌های آخوند صانعی یا حسینعلی منتظری و شرکای‌شان مراجعه کنیم. اینان اهل «استدلال منطقی» نیستند، چرا که استدلال منطقی فاقد ابهام است و «صراحت» دارد. در نتیجه بهتر است «بی‌بی‌سی» لاشه آخوند مطهری را رها کند. آخوند جماعت نمی‌تواند بر امور کشور «نظارت» اعمال کند، چرا که امور کشور خارج از حیطة اعتقادات و باورها و بی‌بی‌گوزک‌ها قرار می‌گیرد. اعتقاد و باورهای مذهبی یا غیرمذهبی، «حریم خصوصی» افراد است و نمی‌توان آنرا بر حریم اجتماعی حاکم کرد. پس «بی‌بی‌سی» را با لاشه

پیش از ادامه مطلب یک پرائتز باز کنیم و به صورت مختصر و مفید نگاهی به سیاست آنگلساکسون‌های دو سوی اتلانتیک در ایران بیان‌دازیم. گاوچران‌ها یا همان برادران دینی جنتلمن‌های نزولخور «سیتی»، از سال ۱۹۵۳ حضور رسمی خود را در ایران آغاز کردند. محمد مصدق و فدائیان اسلام برای حفظ همان «منافع ملی» جادوئی که همواره با منافع ملی ایرانیان در تضاد قرار گرفته، نفت را «ملی» کرده و خسارت مفصلی هم به انگلستان پرداختند. ارث پدرشان که نبود؛ ثروت ملی ایرانیان بود و از نظر نوکران ملکه زدن چوب حراج بر آن «واجب شرعی» بوده، هست و خواهد بود. بهترین راه تاراج ثروت‌های ملی «لغو یکجانبه قراردادهای بین‌المللی» است که امتیازات فراوانی هم نصیب طرف مقابل می‌کند.

لغو قرارداد تنباکو، «شایعه» لغو قرارداد داری، ملی کردن نفت، اشغال سفارت آمریکا، جنگ با عراق و اکنون توصیه‌های گهربار حاج اکبر اعتماد در «بی‌بی‌سی» و حناز چوبه جهت خروج از «ان. پی. تی»، و ابراز «نگرانی» سگ‌های هار استعمار، به ویژه اعضای محفل لاریجانی برای «منافع ملی» همه از همین قماش مانورها است. نقض یکجانبه قراردادهای



«اگر مسئله به خلع سلاح پنج قدرت اتمی محدود می‌شد [...] مدت‌ها پیش از سلاح اتمی صرف‌نظر کرده بودیم. اما در جهان قدرت‌های غیررسمی اتمی وجود دارد [...]»

قدرت‌های «غیررسمی» در واقع همان کشورهای «مستقل» و گروه‌های خرابکار تحت‌الحمايه سازمان ناتو باید باشند که دغدغه «اسلام» و «جهاد» و «دین» و این مزخرفات را دارند و همچون افراد صغیر و مهجور و حکومت جمکران پاسخگوی اعمال‌شان هم نیستند. نیم‌نگاهی به فضای سیاسی جمکران پس از مذاکرات ژنو و توافق‌های وین برای درک این واقعیت تلخ کفایت می‌کند که بدانیم در «نظام مقدس» هیچکس مسئولیتی ندارد، هر گوساله ننه‌حسني در همه امور صاحب‌نظر است و خود را مجاز به «دخالت» در همه امور می‌داند. این است فواید تدوین قوانین بر اساس بی‌بی‌گوزک و بادشکم فقها. این نوع قوانین با «زبان منطقی» بیگانه است و عمری برای آخوند جماعت وسیله پیفوزی و تقیه و خودانکاری شده. در وبلاگ «طعام کرکس» نیز گفتیم گروه‌های سیاسی حکومتی و مخالف‌نمای جمکران همگی با «زبان منطقی» بیگانه‌اند، چرا که زبان منطقی «انسانی» است و صراحت دارد.

بین‌المللی، آنهم توسط دولت یک کشور جهان سوم نظیر ایران، همواره پیروی از سیاست استعمار غرب بوده که در پروپاگاندا ابله‌فریب‌اش پیوسته دولت‌های دست‌نشانده ایران را بر پایه این عمل «مستقل» معرفی کرده، تا ما را به گروگان سیاست غرب در تقابل با روسیه تبدیل کند. پس از کودتای بلشویک‌ها همین سیاست، ایران را به بهانه مبارزه با «کمونیسم» در برابر اتحاد شوروی قرار داد، ولی شاهدیم که پس از فروپاشی اتحاد شوروی این سیاست استعماری باز هم قصد ایجاد تقابل بین ایران و روسیه را دارد. اما پیشتر موضوع نبرد با ایدئولوژی مطرح بود، و اینک برنامه تجهیز حکومت‌های اسلامی و به ویژه گورکن‌ها به سلاح اتمی در دستور کار پنتاگون قرار گرفته.

در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، یعنی در اوج طالبان‌پروری، پاکستان توسط ایالات متحد به سلاح هسته‌ای مجهز شد، سپس نوبت به گورکن‌ها رسید. ولی اینبار موضوع متفاوت بود. همچنانکه پیشتر هم گفتیم، دکترین نظامی روسیه، تجهیز همسایگان‌اش به سلاح‌های هسته‌ای را «تهدید امنیت ملی» به شمار می‌آورد و دکترین نظامی جدید روسیه، توسل به حملات پیشگیرانه هسته‌ای را نیز مدنظر قرار داده. در ماه اکتبر ۲۰۰۹، این موضوع در مسکو رسماً به هیلاری کلینتون اطلاع داده شد. امروز نیز سرگئی لاوروف، به دیوید میلیند، وزیر امور خارجه بریتانیا اعلام داشت کشورش خلع‌سلاح هسته‌ای را نخواهد پذیرفت.

امروز دوم نوامبر ۲۰۰۹، لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با همتای بریتانیایی خود اظهار داشت، تنها ۵ کشور عضو شورای امنیت به سلاح اتمی مجهز نیستند، در جهان قدرت‌های اتمی «غیررسمی» وجود دارند و خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز افزایش یافته:



ادعا کرده، همه کسانی که در تظاهرات پس از کودتای ناکام حضور داشتند طرفدار اسلام و خط امام بوده‌اند! مسلماً به همین دلیل است که پاسدار شریعتمداری ۱۳ میلیون رأی برای این موجود مزور منظور کرده. می‌دانیم که در بوق‌های تبلیغاتی جمکران اصولاً طرفداران «خط امام»، توده‌های میلیونی «مردم‌اند»! این مردم وجود واقعی ندارند؛ این توده‌های میلیونی زاده توهمات اربابان حکومت‌اند که در قالب «آمار دقیق» در رسانه‌ها به آنان ارجاع می‌شود.

امروز معلوم شد حضرات برای به ارزش گذاردن تظاهرات «میلیونی» فقط برای «راهپیمائی در برابر سفارت آمریکا» در خیابان تخت جمشید مجوز صادر می‌کنند! به این ترتیب با دو سه هزار نفر هم می‌توان «انبوه تظاهرکنندگان» را به رخ مخاطب شوت و پرت کشید! با در نظر گرفتن عرض خیابان تخت جمشید و پیاده‌روها، اگر برای هر نفر یک مربع با ضلع ۶۰ سانتیمتر در نظر بگیریم، می‌توان تعداد افراد لازم برای هر ردیف از «صفوف فشرده» و انبوه میلیونی «مردم» را تنظیم کرد!

از مطلب دور افتادیم، بازگردیم به سال جادویی ۱۹۷۵ که تقویم هجری شمسی ایران به تقویم تاریخی تبدیل شد، و آغاز امپراطوری هخامنشی، به درست «مبداء تاریخ ایران» شناخته شد. همین امر خشم «مسلمین» را برانگیخت. چرا که پس از تهاجم تازیان به ایران، مبداء تاریخ ایرانیان که «ناحق» و «غیرمذهبی» بود می‌بایست تغییر یابد.

به عنوان نمونه اگر گروه‌های کذا در مورد تظاهرات ۱۳ آبان‌ماه «خواست» خود را به «زبان منطقی» بیان می‌کردند، می‌بایست می‌گفتند، برای قدرت نمائی احتیاج به حضور «سیاهی لشکر» داریم. ولی هیچ‌یک از این گروه‌ها به صراحت «منظور» خود را بیان نخواهد کرد، همه به شیوه‌های «مبهم»، «غیرمستقیم» و «واژگون» متوسل شده‌اند. به عنوان نمونه، پاسدار شریعتمداری در کیهان، مورخ ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۸۸ به بهانه انتقاد از میرحسین موسوی، ۱۳ میلیون «رأی» به حساب ایشان واریز می‌کند، حال آنکه تعداد کل شرکت‌کنندگان نیز در مسابقات مارگیری اخیر بسیار کمتر از این عدد جادویی است! اما از آنجا که «خط» خیانت و جنایت و کودتای گورکن‌ها با عدد ۱۳ پیوندی ناگسستنی دارد پاسدار شریعتمداری هم ۱۳ میلیون ایرانی عاقل و بالغ را طرفدار میرحسین معرفی می‌کند، «دروغ» که کنتور ندارد!

هر قدر دروغ بگوئید گفته‌اید! اگر روزی روزگاری دروغ‌تان بر ملا شد می‌گوئید، به آمار «وزارت کشور» استناد کردیم! ولی فکر نکنید همیشه در بر همین پاشنه می‌چرخد. افتضاحات ریاست جمهوری «حمید کرزای»، نماینده ملا عمر نزد یانکی‌ها، که به دلیل کناره‌گیری هوشمندانه عبدالله عبدالله پیش‌آمد نه تنها نقاب فریب را از چهره کرزای و اربابان‌اش فرو افکند، که نقش سازمان رسوای ملل را نیز در این افتضاحات آشکار نمود. دبیرکل سازمان رسوای راهی کابل شد تا از ریاست جمهوری کرزای حمایت کند! کسی که در انتخابات تقلب کرده، تقلب‌اش آشکار شده و کمتر از پنجاه درصد شرکت‌کنندگان در انتخابات افغانستان به او رأی داده‌اند مورد حمایت سازمان ملل هم قرار گرفته! مسلماً اگر عبدالله عبدالله در انتخابات آینده افغانستان شرکت کند در برابر کرزای شانس فراوان خواهد داشت. اما میرحسین موسوی به هیچ عنوان از چنین جایگاهی برخوردار نیست، چرا؟ چون موسوی با دروغ شروع کرد، و هر روز برای حفظ جایگاه خود مجبور شد بیشتر دروغ بگوید. اخیراً وی



خلاصه یکشنبه، ۱۵ سده از تاریخ مدون ایران «حذف» شد و ما ملت با جابجائی محمد از مکه به مدینه موجودیت خود را آغاز کردیم! علم و دانش و فلسفه، و به ویژه رنگ «مقدس» سبز با اسلام به ایران «وارد» شد! پیش از اسلام، ایران یک بیابان برهوت بود و مردمانش از تمدن و فرهنگ هیچ نمی‌شناختند، خلاصه اسلام آمد و آداب سر قدم رفتن را به جهانیان معرفی کرد. بگذریم! سال ۱۹۷۵ همچنین سال تأسیس حزب رستاخیز و فرار یانکی‌هاست از ویتنام.

پس از دو سال مذاکره، ارتش آمریکا در بهار سال ۱۹۷۵ مفتضحانه از ویتنام گریخت. نیازی به توضیح نیست که بگوئیم مدافعان حقوق بشر در ویتنام چه کردند، عراق و افغانستان در برابر ماست. باری شکست در جبهه ویتنام، باعث شد غرب برای کوتاه مدت کاهش تنش در منطقه را بپذیرد و با قرارداد الجزایر به خصومت بین عراق و ایران نیز پایان دهد. همچنانکه دیدیم ۵ سال بعد به دلیل اشغال سفارت آمریکا و عملیات تروریستی گورکن‌ها در عراق این قرارداد لغو شد تا یک جنگ استعماری خوب و نان‌آبادار آغاز شود. به یاد داشته باشیم که نتیجه جنگ هر چه باشد، متضمن پیروزی صاحبان صنایع نظامی آمریکا و توحش سرمایه‌سالاری جهانی خواهد بود. در نتیجه اگر ایالات متحد در عراق و افغانستان هم شکست خورد، افزایش بودجه نظامی آمریکا، تولید مواد مخدر و گسترش دین‌فروشی در منطقه متزلزل نخواهد شد.

آنچه برای سرمایه‌سالاری اهمیت دارد همین است: گسترش خشونت. در راستای همین سیاست است که امارات متحد عربی امکانات لازم را فراهم می‌آورد تا «مفتی مونث» تولید کند! به این ترتیب زن‌ستیزی در دین اسلام رسماً توسط زنان به مورد اجراء گذاشته خواهد شد! به این می‌گویند «حقوق زن» در اتحاد جماهیر نوکری. اما در ایران اوضاع با امارات تفاوت دارد. در ایران شیخ فرسوده شده و آنگلو ساکسون‌ها می‌پندارند با حذف پادشاهان از تاریخ ایران و دیگر تحرکات

ابلهانه از این قماش می‌توانند افکار عمومی را در مسیر عکس دهه ۷۰ هدایت کنند، و دوباره با شعار گوساله فریب «مرگ بر دیکتاتور» یک دیکتاتور را با دیکتاتوری دیگر جایگزین کنند. البته کور خوانده‌اند. سیاست سازمان ناتو در منطقه سیر قهقرائی می‌پیماید. شکست کودتای طاعون سبزی، انتخاب مفتضحانه حمید کرزای و عقب‌نشینی رسمی هیلاری کلینتون از مواضع آمریکا در اسرائیل شاهدهی است بر این مدعا.

به گزارش لوموند، مورخ ۲ نوامبر ۲۰۰۹، هیلاری کلینتون ناچار شد ضمن «تصحیح» سخنان خود پیرامون شهرک‌سازی اسرائیل، بر «مخالفت آمریکا» با این سیاست تأکید دوباره کند. پیشتر همین خانم هیلاری کلینتون در اسرائیل موضع متفاوتی اتخاذ کرده و اظهار داشته بودند که، توقف شهرک‌سازی را به عنوان «پیش‌شرط» جهت از سرگیری مذاکرات صلح «نامربوط» می‌دانند! ولی امروز تغییر عقیده دادند. امروز هم گویا آمریکا پیام مشابهی برای مقام معظم ارسال کرده، چرا که ایشان ضمن ناز و کرشمه و آه و ناله فرموده‌اند، پس این «تغییر» کجاست!؟

به گزارش فرانس پرس در فیگارو، مورخ ۳ نوامبر ۲۰۰۹، رهبر حکومت اسلامی در تلویزیون دولت «منتخب‌شان» چنین فرموده‌اند که، این رئیس‌جمهور جدید آمریکا از ۸ ماه پیش برای ما پیام‌های کتبی و شفاهی ارسال کرده



در هم ریختند و معلوم شد پاسدار شریعتمداری قطب‌نمای بصیرت‌شان بکلی از کار افتاده و مرتباً اشتباه می‌کنند. به گزارش مهرنیوز، مورخ ۱۲ آبان‌ماه سالجاری، امروز معلوم شد روز «تغییر قبلهٔ مسلمانان» از بیت‌المقدس به مکه نیز از چندین سال پیش اشتباه بوده:

«[واعظی]، دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور از بروز اشتباه در ثبت روز تغییر قبله مسلمانان خبر داد.»

بله پیشتر، این «تاریخ دقیق» ۱۸ محرم بوده، ولی از این پس ۱۵ رجب، یعنی شش ماه دیرتر خواهد بود! خلاصه طی چندین سال اشتباهاتی در تقویم‌های کشور وجود داشته که رفع و رجوع شده، پس اشتباهات دیگری هم بزودی «تصحیح» خواهد شد. شعار او با ما چه بود؟ چنج، وی نید!

و به ما پیشنهاد فراموش کردن گذشته و همکاری برای حل مشکلات می‌دهد، ولی همه‌اش وعدهٔ سرخرمن است، هر چه می‌گویند عکس آنرا انجام می‌دهند. پیشنهاد مذاکره می‌دهند، ولی تهدیدمان می‌کنند:

«این رئیس‌جمهور جدید آمریکا، پیام‌های کتبی و شفاهی فرستاده و برای حل مسائل جهان به ما پیشنهاد کرده همکاری کنیم [...] می‌گویند مذاکره کنیم، همزمان تهدید می‌کنند اگر نتیجهٔ مطلوب از مذاکره حاصل نشود چنین و چنان می‌کنند [...]»

بله می‌بینیم که مقام معظم در پوشش این ناز و کرشمه‌ها در واقع به ما می‌گویند «تماس» برقرار است و پیام‌های کتبی و شفاهی هم رد و بدل می‌شود و خلاصه باب مذاکره اگر آشکارا گشوده نشده، درها نیمه‌باز است. باری امروز رهبر فرزانه هر آنچه پاسدار شریعتمداری به هم بافته بود، تا بگوید مذاکره با آمریکا «منافع ملی»، البته منافع ملی ارباب را تهدید می‌کند،

